جستار

دستاوردهای مثبت احیای برجام

دیاکو حسینی
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

چهار سال خاورمیانه بدون برجام ارمغان و دستاوردی جز جنگ، تنش و افزایش بحران برای منطقه نداشت. مذاکرات وین، مجموعه گفت‌وگوهایی است که به منظور بازگشت کامل طرفین به برجام به ویژه ایران و آمریکا در حال انجام است و طرفین تلاش می‌کنند حول محور سه موضوع رفع تحریم‌های ناقض برجام از سوی آمریکا، اقدامات هسته‌ای ایران و ترتیب و تقدم اقدامات به یک تعریف واحد برسند. به همین خاطر، سه کارگروه در این رابطه تشکیل شده است. در مورد هر کدام از سه موضوع فوق‌الذکر اختلاف‌نظراتی میان طرفین به ویژه ایران و آمریکا وجود دارد، بنابراین لازم است طرفین در هر حوزه به یک تعریف واحد از مسائل برسند و لیستی از اقداماتی را که باید انجام شود، روی کاغذ بیاورند. این توافق، می‌تواند نقشه‌راه بازگشت به برجام باشند. طرف ایرانی تاکید دارد همه تحریم‌هایی که در زمان ترامپ علیه ایران اعمال شده‌اند، باید لغو شود. طرف آمریکایی این تعریف را قبول ندارد و فقط معتقد به رفع تحریم‌های ناسازگار با برجام است که از زمان خروج آمریکا از این توافق وضع شده‌اند. باید مخرج‌مشترک و نقطه اتصالی که این دو دیدگاه متضاد را به هم پیوند بزند، شکل بگیرد. آمریکایی‌ها می‌گویند همزمان با لغو تحریم‌ها بازگشت کامل طرفین به برجام باید انجام شود، ایران معتقد است بازگشت به هر تعهدی منوط به رفع تحریم‌ها و راستی‌آزمایی از آنها است که این کار، الزاما طولانی‌مدت نیست و می‌تواند کوتاه باشد. نحوه ترتیب و تقدم اقدامات و اینکه در چه فاصله زمانی باشد هم باید مورد تفاهم طرفین قرار گیرد. با وجود دشواری‌ها و اختلافات، چشم‌انداز مذاکرات روشن است. این امکان وجود دارد که طرفین در کوتاه‌مدت به توافق برسند. مساله بعدی، مربوط به چشم‌انداز مناسبات طرفین بعد از بازگشت به برجام است که چگونه می‌خواهند به سایر اختلافات -که ارتباطی با برجام ندارد ولی ریشه در خروج آمریکا از توافق هسته‌ای داشت- رسیدگی کنند. اما این موضوع، موکول به آینده است و احتمال دستیابی به توافقی در این باره در کوتاه‌مدت نیز قابل تصور نیست. ما توافق موقت نداریم بلکه موضوع، احیای برجام و بازگشت آمریکا به آن براساس توافق سال ۲۰۱۵ است. اگر آمریکا به برجام بازگردد، در انجام تعهداتش صادق بوده و آنها را کامل انجام دهد و اقدامات خصمانه‌اش را نیز متوقف کند، امکان گفت‌وگو بر سایر مسائل اختلافی یا منافعی مشترک ناشی از همکاری طرفین، وجود دارد ولی این موضوع موکول به آینده است. در ابتدای آغاز به کار دولت بایدن، نکته‌ای که از سوی آمریکا مطرح می‌شد، این بود که اگر ایران به برجام برگردد، آمریکا نیز به این توافق بازمی‌گردد. امروز برای آنها مسجل شده ایران این فرمول غیرمنصفانه را نمی‌پذیرد؛ چراکه این آمریکایی‌ها بودند که از برجام خارج شدند ولی ایران همچنان در آن حضور دارد. اکنون آنچه در دستور کار آمریکاست، بحث بازگشت همزمان است. این همزمانی، آنی و همگام نیست بلکه در یک بازه نزدیک مطرح است. این انعطاف اکنون در آمریکا به وجود آمده و آنها فهمیده‌اند این انتظار که ایران ابتدا به برجام بازگردد، یک درخواست زیاده‌خواهانه است و همین فهم تازه موجب پیشرفت در مذاکرات و خروج از بن‌بست شده است. نقش روسیه و چین در مذاکرات هسته‌ای نسبت به سایر اعضا، واقع‌بینانه‌تر است. از منظر آنها، تنها جایگزین نابودی برجام، بازگشت تهران و واشنگتن به نقطه صفر و افزایش تنش‌ها میان طرفین است، به‌گونه‌ای که در این افزایش تنش، منافع آنها به ویژه در منطقه نیز متضرر می‌شود. اروپایی‌ها نیز متوجه پیامدهای از دست رفتن برجام شده‌اند و همین مساله، موجب فعال‌تر شدن آنها شده است.

اروپا متوجه شده لازمه هرگونه گفت‌وگو و همکاری برای حل مشکلات، احیای برجام است، روسیه، چین و اروپا هم‌نظر هستند که برجام ۲۰۱۵ باید احیا شود و از این طریق است که شرایط مثبتی برای پیگیری سایر مسائل به وجود می‌آید. همچنین برخلاف سال ۲۰۱۵ که هر کدام از اعضای برجام، منافع مختلفی را پیگیری می‌کردند، اکنون متفق‌القول هستند که برجام ۲۰۱۵ باید احیا شود. در آمریکا امکان خروج از هر توافقی توسط دولت بعدی وجود دارد و این فقط مربوط به برجام نیست ولی باید تلاش کنیم به سایر مسائل میان دو کشور رسیدگی و منافع مشترک تقویت شوند. از این طریق، ابراز و قدرت مخالفان ایران در آمریکا تضعیف می‌شود. احیای برجام در آمریکا چالش ایجاد می‌کند ولی نباید آن را بی‌پایه فرض کرد. باید مخالفان برجام را که مورد حمایت اسرائیل و لابی‌های آن هستند، در انزوا قرار دهیم تا امکان ضربه زدن از سوی آنها به حداقل برسد. احیای برجام به سود همه کشورهای منطقه است. وقتی در طول سه سال گذشته برجام کنار گذاشته شد، شاهد افزایش تنش در منطقه و نزدیک شدن کشورها به جنگ بودیم. چهار سال خاورمیانه بدون برجام ارمغان و دستاوردی جز جنگ، تنش و افزایش بحران برای منطقه نداشت. اگر کوته‌فکری‌ها کنار گذاشته شود، برجام می‌تواند پایه همکاری‌های منطقه‌ای و تقویت نقاط قوت و مشترک میان کشورها باشد، جز اسرائیل که همچنان برای نابودی برجام تلاش می‌کند و قطعا نیز در آینده از این تلاش دست نخواهد کشید، هیچ کشوری نسبت به احیای احتمالی برجام ناراحت نخواهد بود و حتی برخی از آنها نسبت به این مساله ابراز خرسندی می‌کنند.

دکتر فرشاد مومنی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

دولتِ آینده فروش بدتر از دولتِ خام فروش است

فروپاشی اقتصادی مانند فروپاشی یک ساختمان آشکار نیست

اقتصاد ایران در روندهای معطوف به اضمحلال قرار گرفته است

برآیند رشد اقتصادی در دهه ۹۰ نزدیک به صفر است

با سقوط وحشتناک در بنیه تولیدی کشور مواجه هستیم

مصرف مواد پروتئینی مردم به ۱۰ درصد سال‌های جنگ رسیده است

دهه ۹۰ را باید دهه «از دست رفته» نامید

آرمان ملی- احسان انصاری: «باوجوداینکه ما نزدیک به ۱۰۰۰ میلیارد دلار در دهه ۱۳۹۰ هزینه کردیم برآیند رشد اقتصادی در دهه گذشته نزدیک به صفر بوده است. در این دهه ما با سقوط انگیزه‌های تولیدی برای سرمایه‌گذاری مواجه هستیم و در حالی که بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار در یک دهه به اقتصاد کشور تزریق شده اما اندازه تغییر شاغل در جامعه متناسب با این رقم نیست. در این دهه بی‌سابقه‌ترین امواج تورمی و بی‌سابقه‌ترین تزلزل و بی‌ثباتی اقتصادی از کانال بی‌سابقه‌ترین کاهش ارزش پول ملی را تجربه کرده‌ایم». جملات ذکر شده سخنان دکتر فرشاد مومنی اقتصاددان و رئیس موسسه دین و اقتصاد است. دکتر مومنی در این گفت‌وگو به ریشه‌های تاریخی چالش‌های اقتصادی ایران و به‌خصوص دهه ۹۰ می‌پردازد. ایشان معتقد است: «اگر ما از آنچه در دهه ۱۳۹۰ بر سر کشور آمد، عبرت نگیریم با چالش‌های بسیار شکننده‌تری مواجه خواهیم شد. این در حالی است که گاهی مشاهده می‌شود مسئولان محترم کشور به صورت سهل‌انگارانه و ول‌انگارانه درباره عبارات کلیدی دارای پایه نظری در حیطه اقتصاد صحبت می‌کنند اما باید متوجه این نکته باشند که تنها در فاصله سال ۱۳۹۶ تاکنون نرخ ارز در ایران بالغ بر شش برابر شده است و برحسب آنچه در سه سال اخیر رخ داده نرخ ارز نزدیک به ۱۰ برابر نرخ ارز در سال ۱۳۹۶ نیز رسیده است». در ادامه ما حصل گفت‌وگوی «آرمان ملی» با دکتر مومنی را می‌خوانید.

با توجه به امیدبخش بودن نتایج مذاکرات ایران و کشورهای غربی اقتصاد ایران در شرایط باثبات‌تری قرار گرفته و افسار گسیختگی قیمت‌ها تا حدودی از بین رفته است. آیا این نشانه‌ها می‌تواند زمینه‌های امیدواری بیشتر را در اقتصاد ایران در آینده به وجود بیاورد؟

به اعتبار آنچه در هفته چهارم فروردین ماه سال جاری مشاهده شد ما شاهد فروکش کردن بخش‌هایی از حباب‌هایی بودیم که کانون مناسبات سوداگرانه در ایران بودند. این وضعیت بازتابی است از آنچه در اقتصاد سیاسی بین‌الملل و اقتصاد سیاسی ایران در جریان است. مردم امیدوارند نظام تصمیم‌گیری اساسی کشور، از مجموعه عواملی در تاریخ معاصر اقتصادی ایران که دهه ۱۳۹۰ را به عنوان دهه از دست رفته قرار داد و بی‌سابقه‌ترین جهش‌ها در نرخ تورم و ارز و سقوط تولید و سرمایه‌گذاری اتفاق افتاده، درس بگیرد و در ورود به دهه جدید آن درس‌ها را را مورد توجه قرار بدهد. با این وجود در کنار روندهای امیدبخش روندهای نگران‌کننده‌ای نیز مشاهده می‌شود. این روندها نیز ناظر بر اظهارنظرهایی است که مسئولان کلیدی اقتصادی کشور مطرح می‌کنند و پیام محوری سخنان این افراد این است که گویا اراده‌ای جدی وجود دارد تا در اقتصاد سیاسی ایران در بر همان پاشنه‌ای بچرخد که در سه دهه گذشته چرخید و قله فسادزایی و نابرابری‌زایی و از کارکرد افتادگی در نظام‌های تصمیم‌گیری و تخصیص منابع را به وجود آورده است. بدون تردید این موضوع نیروی محرکه ما برای باز کردن باب گفت‌وگو خواهد بود. خوشبختانه همه مسئولان کشور دست از انکار و تکذیب واقعیتی به نام درگیر بودن اقتصاد، جامعه و اقتصاد سیاسی ایران با طیف پرتنوعی از بحران‌ها برداشته‌اند و اصل این چالش‌ها را به رسمیت شناخته‌اند. به همین دلیل باید از این فرصت استفاده کرد و در سطح اندیشه‌ای این چالش‌ها را مورد بررسی قرار داد. تا زمانی که بنیان‌های اندیشه‌ای شکل دهنده این وضعیت را شناسایی نکنیم و با آنها برخورد فعال نداشته باشیم حوادث واقعه در بهترین حالت یک اختلاف جزئی و کوچک در روندهای فعلی ایجاد می‌کنند.

پذیرش بحران‌های متنوع در اقتصاد ایران یک اتفاق مثبت است. با این وجود آیا اراده‌ای برای تغییر اندیشه‌ای اقتصاد ایران وجود دارد؟ آیا این پذیرش به معنای آغاز حرکت برای تغییر است یا اینکه بیشتر جنبه شعاری دارد؟

در تصورات عامیانه هنگامی که ما عنوان می‌کنیم اقتصاد فروپاشیده ممکن است این اتفاق مانند فروپاشی یک ساختمان تصور شود. مسئولان کشور تا امروز باید این بلوغ اندیشه‌ای را فرا گرفته باشند که فروپاشی اقتصاد به این شکل نیست. فروپاشی اقتصاد به معنای این است که روندهای معطوف به توسعه جای خود را به روندهای معطوف به اضمحلال بدهد. این سخن به معنای این نیست که ایران از صحنه روزگار محو شود یا اینکه جمهوری اسلامی دچار مشکل شود. می‌توان شرایطی را در نظر گرفت که ایران و جمهوری اسلامی سرجای خود قرار داشته باشند اما کیفیت زندگی مردم به شکل فاجعه‌آمیزی روبه قهقرا بگذارد، سرنوشت تولیدکنندگان فاجعه‌آمیزتر شود و نابرابری‌ها، فسادها و بحران‌های اخلاقی نیز شدت پیدا کند. در چنین شرایطی باید از اصلاح فروپاشی استفاده کرد. از نظر بنده هنگامی که سازمان برنامه و بودجه به صورت رسمی در گزارش موسوم به برنامه یک ساله دولت در سال ۱۴۰۰ به صراحت عنوان می‌کند در نقطه عطف سال ۱۳۹۸ کل سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در کشور حتی قادر به جبران استهلاکات آن سال نیز نیست، باید چنین روندی را روند اضمحلال قلمداد کرد. گزارش‌های رسمی درباره روند تحولات مصرف‌های مقداری خانوارها در زمینه کالاهای اساسی و به‌خصوص مواد پروتئینی بیانگر این است که میانگین مصرف مواد پروتئینی به ۱۰ درصد مصرف مواد پروتئینی در سال‌های جنگ رسیده است. این موضوع به معنای این است که ما در روند اضمحلال و فروپاشی اقتصادی قرار داریم. این فروپاشی مانند فروپاشی یک ساختمان که به صورت عریان و آشکار باشد نیست، بلکه بسیار مستهلک‌تر از آن است. گزارش‌های رسمی سازمان برنامه و بودجه و وزارت صمت بیان می‌کند ما با یک سقوط وحشتناک در بنیه تولیدی مواجه هستیم به شکلی که با شاخص رابطه مبادله که قدرت چانه‌زنی بنیه تولیدی ما را در پهنه جهانی مورد سنجش قرار می‌دهد داده‌های ما در این زمینه بین یک دوم تا یک سوم رقم ما در سال ۱۳۶۷ بوده است. ما باید این اتفاقات را نشانه اضمحلال و فروپاشی از دولت خام‌فروش به دولت آینده فروش مواجه هستیم به معنای این است که قباحت خام‌فروشی ریخته است. ما در حال تجربه شرایطی هستیم که برای گذران امور جاری کشور باید متوسل به وام‌گیری داخلی و خارجی بشویم. همه اینها نشانه‌های روند معطوف به انحطاط در اقتصاد ایران است.

> هنگامی که ما با شرایط گذار خطرناک حکومت از دولت خام فروش به دولت آینده فروش مواجه هستیم به معنای این است که قباحت خام فروشی ریخته است. ما در حال تجربه شرایطی هستیم که برای گذران امور جاری کشور باید متوسل به وام گیری داخلی و خارجی بشو یم

این شرایط به چه میزان ریشه در سیاست خارجی ایران و تنش‌های بین ایران و برخی کشورهای منطقه و جهان دارد؟

تا زمانی که نااطمینانی وجود داشته باشد انگیزه سرمایه‌گذاری بلندمدت و مولد در حد نصاب نخواهد بود و در چنین شرایطی چرخ‌های اقتصاد ایران به جای اینکه روی تولید ملی بچرخد روی واردات می‌چرخد. استفاده از لفظ کاسبان تحریم نشان‌دهنده یک واقعیت تلخ و غم‌انگیز است و ما با این شرایط از شرایط نااطمینانی و تنش‌زا خلاصی پیدا نمی‌کنیم. هنگامی که ما کاسبان تحریم را تقبیح می‌کنیم به معنای تقدیس سیاست خارجی نیست. واقعیت این است که براساس آنچه درباره قرارداد ایران و چین وجود دارد سطوح قابیل تامل در این توافقنامه وجود دارد. اگر ما به نجات ایران و برون‌رفت از این بحران‌ها فکر می‌کنیم باید به صورت همزمان هم به وجوه اقتصاد سیاسی داخلی و هم اقتصاد سیاسی بین‌المللی توجه کنیم. این مسأله دستاورد ۱۰ هزار ساله مکتوب بشر است که توسط اقتصاددانان توسعه بررسی شده است. این اقتصاددانان با تکیه بر چنین ذخیره دانایی شگرفی به صراحت عنوان کرده‌اند حکومت‌ها برای استمرار بقای خود با دو رقیب عمده یعنی رقیب داخلی و رقیب خارجی مواجه هستند. اگر حکومت‌ها دچار خطاهای فاحش شوند و با مردم فاصله ایجاد کنند و میان آنها بحران اعتماد ایجاد شود هزینه‌های اداره کشور به اندازه‌ای افزایش پیدا می‌کند که به فروپاشی حکومت‌ها منجر می‌شود. این موضوع امروز یا دیروز یا این کشور و آن کشور نیست. در نتیجه اگر کسانی دوست دارند جمهوری اسلامی به بقای خود ادامه بدهد باید سطح اندیشه‌های نازلی که این پدیده‌ها را ایجاد کرده، بشناسند و با برخورد انتقادی فعال ارتقا بدهند. مسأله مهم دیگر اینکه کشور با رقبای خارجی مواجه است و اگر بنیه تولید ملی و روابط مردم با حکومت از یک حدودی بیشتر سقوط کند، طمع‌طمع‌ورزان خارجی را نیز بر می‌انگیزد. به همین دلیل به هوشمندی زیادی در این زمینه نیاز داریم. افزایش این هوشمندی‌ها با پایان دهه ۱۳۹۰ نسبت به هر دوره دیگری در تاریخ اقتصادی پس از پیروزی انقلاب حساس‌تر و حیاتی‌تر شده است.

> براساس آنچه درباره قرارداد ایران و چین وجود دارد سطوح قابل تامل در این توافقنامه وجود دارد و این مسأله در نهایت کار دست کشور خواهد داد. اگر ما به نجات ایران و برون‌رفت از این بحران‌ها فکر می‌کنیم باید به صورت همزمان هم به وجوه اقتصاد سیاسی داخلی و هم اقتصاد سیاسی بین‌المللی توجه کنیم

چرا این اتفاق پس از دهه ۱۳۹۰ رخ داده است؟

با وجود اینکه ما نزدیک به ۱۰۰۰ میلیارد دلار در دهه ۱۳۹۰ هزینه کردیم برآیند رشد اقتصادی در دهه گذشته نزدیک به صفر بوده است. در این دهه ما با سقوط انگیزه‌های تولیدی برای سرمایه‌گذاری مواجه هستیم و در حالی که بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار در یک دهه به اقتصاد کشور تزریق شده اما اندازه تغییر شاغل در جامعه متناسب با این رقم نیست. در این دهه بی‌سابقه‌ترین امواج تورمی و بی‌سابقه ترین تزلزل و بی‌ثباتی اقتصادی از کانال بی‌سابقه‌ترین کاهش ارزش پول ملی را تجربه کرده‌ایم. این مسائل نشان می‌دهد اگر ما از آنچه در دهه ۱۳۹۰ بر سر کشور آمد عبرت نگیریم با چالش‌های بسیار شکننده‌تری مواجه خواهیم شد. این در حالی است که گاهی مشاهده می‌شود مسئولان محترم کشور به صورت سهل‌انگارانه و ول‌انگارانه درباره عبارات کلیدی دارای پایه نظری در حیطه اقتصاد صحبت می‌کنند. اما باید متوجه به این نکته باشند که تنها در فاصله سال ۱۳۹۶ تاکنون نرخ ارز در ایران بالغ بر شش برابر شده است و برحسب آنچه در سه سال اخیر رخ داده نرخ ارز نزدیک به ۱۰ برابر نرخ ارز در سال ۱۳۹۶ رسید. مانند همه تجربه‌های تاریخی ایران در دوره موج اول پس از انقلاب صنعتی اغلب انحطاط‌ها دارای سه مرکز ثقل کلیدی بوده است و ما در هر سه نقطه شرایط خطیر و پیچیده‌ای را تجربه می‌کنیم. حیاتی‌ترین مسأله در این زمینه سقوط بنیه تولیدی، از بین بردن اعتماد تولیدکنندگان و از بین بردن انگیزه‌های سرمایه‌گذاری‌های تولیدی است. هنگامی که از این منظر به تجربه‌های تاریخی نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم به محض اینکه ما با سقوط بنیه تولیدی مواجه می‌شویم بلافاصله سطح مشارکت مردم در سرنوشت خود کاهش پیدا می‌کند. از سوی دیگر سطح برعهده گرفتن وظایف حکومت در وضعیت کلیدی و کلاسیک خود نیز کاهش پیدا می‌کند. در چنین شرایطی سطح وابستگی‌های ذلت‌آور به دنیای خارج نیز افزایش پیدا می‌کند و نقطه عزیمت آن وابستگی به واردات است. این در حالی است که این رویکرد نیازمند به واکاوی مجدد و عبرت‌گیری است. موضوع دیگر اینکه فساد در چارچوب این مناسبات تعمیق غیرعادی پیدا می‌کند. ترکیب اجتناب‌ناپذیر شدن اتخاذ سیاست‌های تورم‌زا با پدیده مشارکت زدایی از مردم در تعیین سرنوشت خود به دلیل سقوط بنیه‌های سرمایه‌گذاری، کشور را به فقر و فلاکت و عقب‌ماندگی و وابستگی‌های ذلت‌آور می‌کشاند. این اتفاقی بوده که در تاریخ معاصر ایران افتاده است. سقوط بنیه تولید ملی نیز بیش از هر چیز تابعی از میدان دادن به رباخواران و دلالان و تاجرباشی‌هاست. در نتیجه بین سیاست‌های تورم‌زا، تضعیف ارزش پول ملی و سرخورده شدن تولید ملی یک پیوند عمیق وجود دارد. آن چیزی که مسأله را بسیار بااهمیت می‌کند این است که به محض اینکه انحطاط اقتصادی در کشور آغاز می‌شود پای خارجی‌ها نیز به کشور بازمی‌شود.

> بین سیاست‌های تورم‌زا، تضعیف ارزش پول ملی و سرخورده شدن تولید ملی یک پیوند عمیق وجود دارد. آن چیزی که مسأله را بسیار بااهمیت می‌کند این است که به محض اینکه انحطاط اقتصادی در کشور آغاز می‌شود پای خارجی‌ها نیز به کشور بازمی‌شود

باز شدن پای خارجی‌ها به اقتصاد کشور در چنین شرایطی با چه پیامدهایی مواجه خواهد بود؟

خارجی‌ها می‌توانند از موضع همکاری متقابل وارد شوند یا اینکه می‌توانند به شکلی وارد شوند که ما را در درون سرزمین خود تحقیر کنند. کسانی که با الفبای تاریخ اقتصادی آگاه هستند یقین دارند در این شرایط موضوع وام‌گیری خارجی مطرح می‌شود. در این سرزمین ما دوران را سپری کرده‌ایم که حکومت‌گران برای بقای خود بسیاری از ارزش‌های ملی را زیرپا گذاشتند. به عنوان مثال امتیاز انحصاری نشر اسکناس در دوران قاجار که تا اوایل دوران رضا شاه نیز استمرار داشت. به همین دلیل در ذخیره دانایی ایران پیوندی بین استبداد و استعمار وجود داشته و این دو مفهوم همدیگر را تقویت و بازتولید می‌کنند. فراموش نکنیم هنگامی که انقلاب مشروطه به پیروزی دست پیدا کرد و انقلابیون مشروطه مورگان شوستر را به ایران آوردند تا به وضعیت مالی و اقتصادی ایران سامان بدهد، هنگامی که وی قصد داشت اموال شعاع‌السلطنه را به دلیل عدم‌پرداخت مالیات مصادره کند روس‌ها به حکومت وقت ایران هشدار دادند اگر مورگان شوستر از ایران اخراج نشود نیروی نظامی روس بلافاصله تهران را اشغال خواهد کرد. در چنین شرایطی است که رقبای داخلی و رقبای خارجی با هم پیوند برقرار می‌کنند و مانند دو لبه قیچی علیه تمامیت ارضی کشور و منافع ملی هم‌پیمان می‌شوند. از این زاویه ما در دهه ۱۳۹۰ یک تجربه فاجعه‌آمیز در سال ۱۳۹۱ داشتیم که به جای اینکه از تحریم‌ها به مثابه یک فرصت برای جبران خطاها و افزایش بنیه تولید ملی استفاده شود، از راهبرد جهش در قیمت ارز، بی‌ثباتی اقتصادی و میدان دادن به غیرمولدها و مفت‌خورها استفاده شد. به همین دلیل نیز کشور در این سال‌ها با یک تزلزل شدید مواجه شد. در سال ۱۳۹۷ نیز که ما دوباره با تحریم‌های بازگشته مواجه شدیم و سیاستگذاران خود را دوباره به همان سیاست‌های مشغول کردند که کشور را تا به این اندازه آسیب‌پذیر کرده بود و طمع، طمع‌ورزان خارجی را برانگیخته بود.

یادداشت

درسی از پاسخ مثبت فائزه هاشمی به مناظره با یک نوجوان!

احمد حیدری
پژوهشگر حوزه علمیه

«قرآن کتاب هدایت است و هدایت بر گفت‌وگو استوار. پیامبران که با حق مطلق در ارتباط بودند و قلوب‌شان تجلی‌گاه انوار حق و مأموریت‌شان خارج کردن انسان‌ها از ظلمت جهل و گمراهی، در مواجهه با انسان‌ها از موضع یک همراه، آنان را به گفت‌وگو فرامی‌خواندند. خداوند به پیامبرش می‌فرماید در گفت‌وگو به آنان بگو: «إِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلى هُدىً أَوْ فِي ضَلالٍ مُبِينٍ»(سبأ/۲۴) (ما یا شما بر هدایت یا گمراهی آشکار هستیم) و راه شناسایی اینکه کدامین‌مان بر هدایت و کدامین بر گمراهی است، جز گفت‌وگو و مفاهمه نیست. در داستان اصحاب شنبه هم که مؤمنان، خطاکاران را با گفت‌وگو به راه حق فرامی‌خواندند، وقتی با اعتراض اصحاب سکوت و بی‌تفاوتی مواجه شدند، گفتند: «مَعْذِرَةً إِلى رَبِّكُمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»(اعراف/۱۱۴) ما با این گفت‌وگو برای خودمان در پیشگاه خدا عذر داریم و شاید آنان تقوا بورزند»-۱ متأسفانه در کشور ما گفت‌وگو و مفاهمه از طرف بزرگان و هدایتگران به فراموشی سپرده شده و می‌خواهند با سخن گفتن یک‌طرفه جامعه را به سویی که می‌خواهند، ببرند و برای خود وظیفه قانع کردن طرف مقابل را قائل نیستند. اخیرا خانم فائزه هاشمی در یک مصاحبه وقتی با این سوال مواجه می‌شود که «چه کسی را به مناظره دعوت می‌کنید» می‌گوید: «من ترجیح می‌دهم با خود آقای خامنه‌ای به‌صورت رودررو در مورد سیاست داخلی و به‌خصوص در مورد سیاست خارجی گفت‌وگو کنم تا شاید اثر بگذارد و بتوان اصلاحی در کشور ایجاد کرد». البته معلوم است که او می‌داند در سطح رهبری نیست.-۲ جماعتی «کاسه داغ‌تر از آش» این دعوت خانم هاشمی را توهین انگاشته و درصدد شکستن خانم هاشمی برآمده و کلیپی تهیه کرده‌اند که نشان می‌دهد چند خانم ظاهرا فرهنگی دور یک میز نشسته و مشغول هستند و آن طرف هم چند دختر خانم نوجوان کنار میز دیگری نشسته و هر کدام با موبایل خود مشغولند که یک‌باره یکی از دختران نوجوان برمی‌خیزد و با تعجب مادر را خطاب کرده و خبر می‌دهد که «مامان، فائزه هاشمی حضرت آقا را دعوت کرده به مناظره! شما نمی‌خواهید جوابش را بدهید». مادر هم با خونسردی کامل و در عین بی‌خیالی و اهمیت ندادن می‌گوید: «ما مشغول هستیم؛ خودت جوابش را بده». بعد هم آن دختر نوجوان به جای جوابگویی، چند نکته را یادآوری می‌کند: -۱ یاد حرف امام علی افتادم که: ببینید کار به کجا کشیده که اسم علی را کنار اسم معاویه می‌آورند. -۲ کبوتر با کبوتر باز با باز. -۳ لقمه بزرگ گلوگیر است، من آماده مناظره با شما هستم. -۴ سال گاو تبریک به شما! -۵ البته موارد بالا همه حق است، ولی در مصداق‌ها مناقشه است که مدنظر این نوشتار نیست. وقتی این کلیپ توهین‌آمیز و تحقیرکننده را دیدم، به یاد آن شعر معروف افتادم: «دشمن دانا بلندت می‌کند/ بر زمینت می‌زند نادان دوست». متأسفانه در این چند دهه از این دوستان نادان زیاد دیده‌ایم و کاش دلسوزان که قدرت دارند، جلوی این دوستان نادان را می‌گرفتند.-۶ اما نکته جالب در این مورد، برخورد سماجت‌آمیز خانم هاشمی با این کلیپ بود. به جای اینکه با بی‌اعتنایی بگذرد یا از توهین‌های صریح این کلیپ خشمگین شود و جواب توهین‌آمیز بدهد، محترمانه آمادگی خود را برای گفت‌وگو با دختر خانم نوجوان اعلام کرده است. این نوجوان و بزرگانی که پشت‌سر اویند، هم عاجزانه اعلام کرده‌اند که گفت‌وگوی او با خانم هاشمی قطعا به سود خانم هاشمی تمام می‌شود! لذا از اعلام آمادگی خود انصراف داده‌اند. -۷ خانم هاشمی با این اقدام خود این درس را به جامعه روشنگران می‌دهد که شما سخن منطقی بگویید و بدانید که گوش‌های فراوانی آماده شنیدن هست و هیچ فرصتی را برای سخن منطقی و روشنگری از دست ندهید که خداوند وقتی خلیلش را به دعوت مردم برای حج امر کرد(حج/۲۷)، خلیل با تعجب گفت: خدایا من از این گودی خانه، فریاد هم بزنم تا چندده‌متر آن طرف‌تر نمی‌رود؛ چگونه جهانیان! را فرابخوانم؟ خداوند فرمود: وظیفه تو فراخواندن است و وظیفه من رساندن آن فراخوان به گوش جهانیان (تفسیر قمی ۲/۸۳)؛ به امید این وعده».

نگاه

سخنی با روحانیون بدون ماسک در حرم

محمد مطهری
تحلیلگر مسائل دینی

چندی پیش، شاهد بودم که وقتی در کنار ضریح مطهر امام رضا(ع)، یکی از خدام از یک روحانی خواهش کرد که ماسک بزند با لحنی خاص گفت: «اگر به امام، معرفت داشتی نمی‌گفتی ماسک بزن». متاسفانه این روحانیون محترم و کم‌شمار دو نکته را فراموش کرده‌اند؛ فرض کنیم پزشکان و اکثر روحانیان - که بر تبعیت از متخصصان تأکید دارند- همگی در اشتباهند و در حرم هیچ‌گونه ویروسی وجود ندارد. اکثریت بالای افرادی که به حرم مشرف می‌شوند ماسک دارند و این نشان می‌دهد که - درست یا نادرست - از نظر آلودگی ویروسی، تفاوتی میان حرم و غیرحرم قائل نیستند. نکته مهم این است که افراد دارای ماسک، با دیدن فرد بی‌ماسک (روحانی یا غیرروحانی)، احساس می‌کنند که احتمال مرگ آنان بر اثر کرونا افزایش می‌یابد؛ بنابراین نه‌تنها آزرده بلکه گاهی عصبانی می‌شوند. آیا اذیت کردن دیگران از محرمات قطعی دینی نیست؟ اذیت مومن در حدیث قدسی به منزله «جنگ با خدا» خوانده شده است: «قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: لِيَأْذَنْ بِحَرْبٍ مِنِّي مَنْ آذَى عَبْدِيَ الْمُؤْمِنَ» (کافی، ج۲، ص۳۵۰). اینکه از نظر توای عزیز، ویروسی در حرم نیست «اذیت شدن مردم» را منتفی نمی‌کند. درست مانند این است که لیوانی پر از آب زمزم را به میان مردمی ببری که فکر می‌کنند که این لیوان پر از اسید است و هر لحظه ممکن است روی دست و پایشان بریزد. بدون‌شک چنین کاری مصداق آزار است؛ ولو اسیدی در کار نیست. علاوه بر این، آزار زائران یک «آزار مضاعف» است. ارزش زیارت، وابسته به میزان «حضور قلب» و «خود را در محضر خداوند و امام دیدن» است که نیازمند تمرکز است؛ تمرکزی که به دست آوردنش سخت است و از دست دادنش آسان. متاسفانه این ماسک نزدن، علاوه بر ایجاد احساس عدم‌ایمنی، ضایع ساختن حال معنوی زائران را هم به دنبال دارد؛ لذا آزاری است مضاعف. به قول علامه طباطبایی(ره) بزرگی هر گناه به میزان ظلمی است که در بردارد. سلب حال معنوی زائرانی که برخی از آنان شاید هرگز در عمر خود توفیق زیارت دوباره‌ای پیدا نکنند ظلم کوچکی نیست. اما این تمام مساله نیست. لزوم ماسک‌زدن - ولو کسی آن را نادرست بداند - قانون کشور است و ماسک‌نزدن یک روحانی (طرفدار نظام باشد یا نباشد) به اعتبار روحانیت آسیب وارد می‌کند. ماسک زدن در حرم جفا یا توهین به امام نیست، جفا به امام آنجاست که گمان کنیم مقام ملکوتی امام با باور نداشتن به وقوع یک مصداق از خوارق عادات آسیب می‌بیند. بسیار محتمل است که یک مرتاض هندی که قطار را با نگاه خود از حرکت بازمی‌دارد بتواند ویروس‌های یک محیط را هم از بین ببرد. اما امام کجا و مرتاض بینوا کجا؟ به‌راستی اینان از مقام امام در عالم هستی - که «واسطه فیض خداوند»، «حجت خدا بر زمین»، «صاحب ولایت تکوینی» و «هدایت‌کننده به هدایت باطنی» بخشی از اوصاف اوست - چه فهمیده‌اند که معرفت و احترام به ایشان را با اعتقاد به نبود ویروس در حرم گره زده‌اند؟! بپسندیم یا نپسندیم، زیارت بدون ماسک یعنی «زیارت توأم با آزار» و «تشدید بدبینی نسبت به روحانیت». خوب است این عزیزان پای درددل برخی خدام و نیز کادر درمان بنشینند تا بهتر بفهمند بر سر هیچ چه خونی به دل‌ها کرده‌اند.